

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رابرت اینلاکش
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: علی کاظمی
۳۰ دسمبر ۲۰۲۴

آینده کرانه باختری در هاله‌ای از ابهام



علیرغم تلاش‌های متمرکز برای نابودی پایگاه‌های مقاومت، پاکسازی قومی، آوارگی گسترده و تشدید خشونت، آیا کرانه باختری شاهد انتفاضه سوم خواهد بود؟

در آستانه الحاق کرانه باختری و جنگ شبه‌نظامیان شهرکنشین علیه غیرنظامیان فلسطینی، آینده این سرزمین در نهایت توسط مسیر مقاومت مردمی در برابر توطئه‌های اسرائیل تعیین خواهد شد. اگرچه رژیم صهیونیستی احتمالاً بزودی به دستاورد سرزمینی دست خواهد یافت، اما پروژه آن می‌تواند بشدت نتیجه معکوس دهد. در حالی که نسل‌کشی در غزه، جنگ در لبنان و تغییر رژیم در سوریه طی ۱۴ ماه گذشته تیتز خیرها را به خود اختصاص داده‌اند، کرانه باختری نیز دوره‌ای از سختی را تجربه کرده که ممکن است بزودی به خیر اصلی تبدیل شود. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ارتش اشغالگر اسرائیل و شبه‌نظامیان شهرکنشین متحد آن بیش از ۷۲۰ فلسطینی را در سراسر کرانه باختری به قتل رسانده‌اند که این دوره را به مرگبارترین دوره از زمان انتفاضه دوم (۲۰۰۵-۲۰۰۰) تبدیل کرده است. علاوه بر این، صدها هزار شغل در این منطقه از بین رفته و اقتصاد محلی همچنان رو به زوال است. آنچه اوضاع را بدتر می‌کند این است که شهرکنشینان اسرائیلی بیش از ۶۰ پایگاه شهرکنشینی جدید در اراضی فلسطینی ایجاد کرده‌اند، در حالی که آنها همراه با ارتش اشغالگر برای پاکسازی قومی حداقل ۲۶ روستا و جامعه محلی همکاری کرده‌اند. خشونت شهرکنشینان به بالاترین حد تاریخی خود رسیده است، زیرا رژیم اسرائیل به مسلح کردن

شبه‌نظامیان افراطی خود ادامه می‌دهد، واحد نظامی افراطی «مرز صحرا» را به عنوان بخشی از ارتش خود تأسیس کرده و اجازه حملات مداوم به اموال، مزارع و جان فلسطینیان را داده است.

در همین حال، ارتش اسرائیل صدها مانع جاده‌ای، دیوار و دروازه جدید نصب کرده و حضور تهدیدآمیزتری در سراسر منطقه داشته و موضع بسیار تهاجمی‌تری نسبت به غیرنظامیان کرانه باختری اتخاذ کرده است. این به این معناست که عبور حتی از بخش‌های کوچک منطقه برای فلسطینیان خطرناکتر و مشکل برانگیزتر شده است.

فلسطینیان اکنون باید در ایست‌بازرسی‌ها و موانع جاده‌ای موقت که برای آنها برپا شده با احتیاط زیاد عمل کنند، جایی که ممکن است به طور تصادفی اموال مختلف آنها به سرقت رود، از توانایی رفتن به سر کار محروم شوند، یا بدتر از آن، با بازداشت خودسرانه، تحقیر، ضرب و شتم و اعدام مواجه شوند. غیرنظامیان به دلیل احتمال بالای حملات تصادفی شهرک‌نشینان که در برابر آن هیچ محافظتی دریافت نمی‌کنند، در مسافرت شبانه بسیار محتاطتر شده‌اند. فلسطینیان ساکن کرانه باختری عذاب مالی، جسمی و روانی را تحمل می‌کنند که با احساس وحشت فزاینده از وقایع در حال وقوع در نوار غزه تشدید شده است.

بسیاری از ساکنان کرانه باختری در طول نسل‌کشی در غزه نسبتاً ساکت مانده‌اند که این امر ناشی از احساس ناامیدی و ترس است - وضعیتی که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که مقرر است به طور چشمگیری تغییر کند. تا کنون، اردوگاه‌های پناهندگان در شمال کرانه باختری مراکز واقعی مقاومت و اقدام انقلابی بوده‌اند. اردوگاه جنین، اردوگاه نور الشمس در طولکرم و اردوگاه‌های پناهندگان مانند بلاطه و العین در نابلس، جزایر منزوی مقاومت مسلحانه بوده‌اند. با این حال، بدون اقدام مردمی، توانایی‌های آنها محدود به مانورهای دفاعی در داخل اردوگاه‌هایشان باقی می‌ماند.

با حمایت آمریکا، تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) سرکوب گروه‌های مقاومت گردان‌های جنین را تشدید می‌کند که نشان‌دهنده تلاش هماهنگ برای نابودی پایگاه‌های مقاومت در کرانه باختری است. این سرکوب همزمان با لحظه‌ای بحرانی برای تشکیلات خودگردان است، زیرا با تهدید وجودی از سوی و عده قریب‌الوقوع «اسرائیل» برای الحاق این سرزمین روبه‌رو است.

رژیم صهیونیستی به دنبال تسخیر مناطق C و بخش‌هایی از منطقه B در داخل کرانه باختری است و هدف آن برقراری کنترل حکومتی قانونی بر این مناطق است که حدود ۷۰٪ از این سرزمین را تحت کنترل مدنی خود قرار می‌دهد. اگر این سناریو محقق شود، تشکیلات خودگردان فلسطین با سه گزینه عملی روبه‌رو خواهد شد: انحلال کامل خود، تبدیل شدن به یک جنبش مقاومت، یا تلاش برای انعقاد نوعی توافق که آن را به عنوان یک پیمانکار صرف که جیب‌های اصلی فلسطینی را مدیریت می‌کند، سرپا نگه دارد.

از آنجا که تشکیلات خودگردان در حال حاضر در سازمان ملل متحد به عنوان نماینده دولت فلسطین به رسمیت شناخته شده و قرار است در هر سناریوی پس از جنگ غزه نقش داشته باشد، همچنان تا حدی اهمیت دارد. با این حال، بدون توانایی هموار کردن راه برای تشکیل دولت فلسطین در کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و غزه از طریق مذاکرات، با دشواری‌های اجتناب‌ناپذیر پیگیری مقاومت مسلحانه به عنوان تنها گزینه روبه‌رو خواهد شد، که تشکیلات خودگردان فعلاً آن را رد کرده است.

الحاق توسط اسرائیل ناگزیر کرانه باختری را بی‌ثبات خواهد کرد و محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان، قبلاً یک جانشین مرحله گذار را معرفی کرده است که نشان می‌دهد کههولت او بزودی مانع از انجام وظایفش خواهد شد. اگر حماس - از طریق تبادل اسراء - موفق به آزادسازی چهره‌های ارشد جنبش فتح شود که بر تشکیلات خودگردان مستقر

در رام‌الله حکومت می‌کند، ممکن است آنها بتوانند نقش سازنده‌ای در متحد کردن جنبش فلسطین از خارج و هموار کردن مسیری جایگزین برای پیشرفت ایفا کنند.

عامل دیگر می‌تواند ناآرامی‌های احتمالی در اردن، همراه با ظهور غیرقابل پیش‌بینی گروه‌های مقاومت فلسطینی از فضای بی‌ثبات داخل سوریه باشد.

با این حال، اسرائیلی‌ها تمام این عناصر را بخوبی درک می‌کنند و تلاش خواهند کرد تا از هرگونه تحولات منطقه‌ای که به نفع مردم فلسطین باشد، جلوگیری کنند. بنابراین، این امکانات باید در نظر گرفته شوند، اما تمرکز اصلی در اینجا باید بر واکنش اجتناب‌ناپذیر جمعیت کرانه باختری به طور کلی قرار گیرد.

با تشکیلات خودگردان بشدت تضعیف شده، تشدید خشونت، پاکسازی قومی روستاها و آوارگی اجتناب‌ناپذیر غیرنظامیان در میان الحاق اسرائیل، مردم کرانه باختری ممکن است مجبور به مواجهه با وضعیتی شوند که انتفاضه سوم را ضروری می‌سازد. اگر تشکیلات خودگردان کاملاً فروپاشد، این امر ارتش اسرائیل را مجبور به استقرار در شهرهای اصلی فلسطینی خواهد کرد که منجر به درگیری‌های روزانه در مقیاسی بسیار بزرگتر از آنچه طی دهه‌های گذشته شاهد بوده‌ایم، خواهد شد.

یک شورش مردمی گسترده از کرانه باختری برای خنثی کردن برنامه‌های اسرائیل در مصادره بیشتر زمین و پاکسازی قومی مورد نیاز خواهد بود که سپس کل منطقه را به هرج و مرج خواهد کشاند. سوال اصلی این است که آیا رژیم صهیونیستی قادر به مقابله با چنین وضعیتی برای مدت طولانی در صورت وقوع یک شورش تمام عیار است. مقابله با این سناریو ممکن است مستلزم استقرار صدها هزار نفر از پرسنل ارتش، امنیت خصوصی، مرزبانی و افسران پولیس باشد.

این نه تنها یک بار مالی عظیم خواهد بود، بلکه در صورت فعال شدن مجدد جبهه‌های دیگر در آینده، خطر امنیتی بالقوه‌ای نیز ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، در مقاطع مختلف جنگ علیه غزه، ارتش اسرائیل در واقع سربازان بیشتری را در کرانه باختری مستقر کرده بود تا در نوار غزه.

رژیم صهیونیستی به دلیلی مرزهای خود را اعلام نکرده است، زیرا همواره به دنبال اشغال بیشتر سرزمین به قیمت کشورهای همسایه بوده است، هدفی که در حال حاضر با سرعت زیادی به آن دست می‌یابد. در حالی که در کوتاه مدت موفق می‌شود، سرنوشت نهائی این پروژه غاصب توسط اراده توده‌ها تعیین خواهد شد.

۲۸ دسمبر ۲۰۲۴